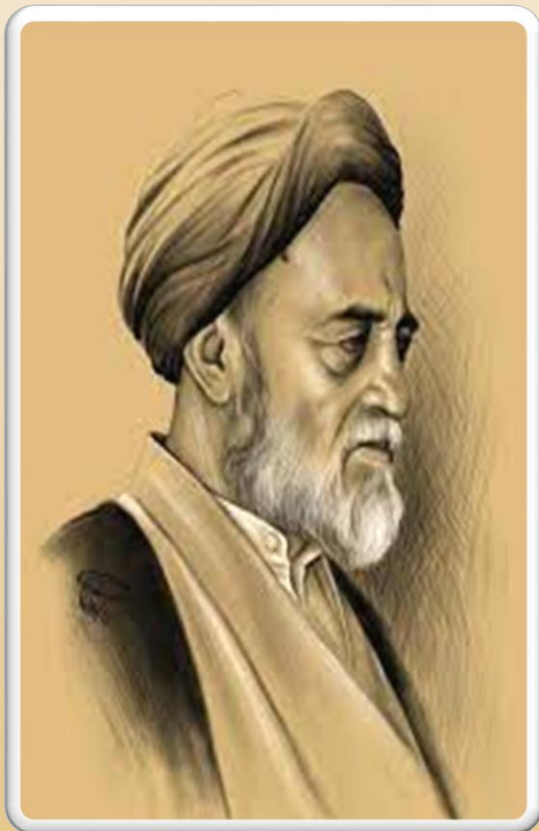




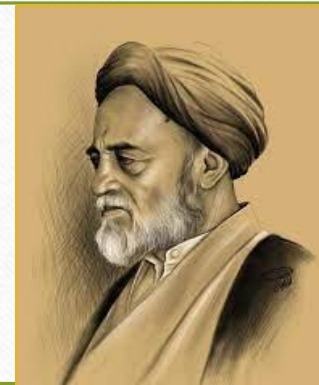
به مناسبت ۲۴ آبان سالروز رحلت علامه طباطبائی  
واحد کتابخانه مدرسه علمیه زینبیه تقدیم میکند:

## ویژه نامه

علامه محمد حسین طباطبائی



## زندگی نامه علامه محمد حسین طباطبائی



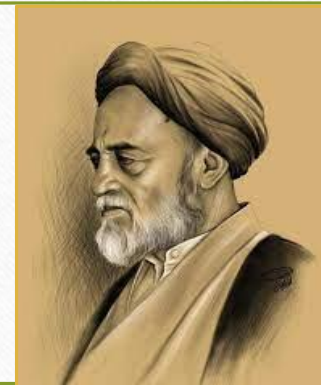
جدّ علامه طباطبائی (ره) از شاگردان و معاشران نزدیک شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهرالکلام) بود و نامه ها و نوشته های ایشان را می نگاشت. مجتهد بود و به علوم غریب (رمل و جفر و ...) نیز احاطه داشت اما از نعمت داشتن فرزند محروم بود. روزی هنگام تلاوت قرآن به این آیه رسید:

«و ایوب إذ نادى ربه: انىّ مسنى الضر و انت ارحم الراحمین»

با خواندن این آیه، دلش می شکند و از نداشتن فرزند غمگین می شود.

همان هنگام چنین ادراک می کند که اگر حاجت خود را از خداوند بخواهد، روا خواهد شد. دعا می کند و خداوند هم پس از عمری دراز، فرزند صالحی به او عنایت می فرماید. آن پسر، پدر مرحوم علامه طباطبائی می شود. پدر علامه نیز پس از تولد او، نام پدر خود (یعنی جدّ علامه) را بر وی می نهد.

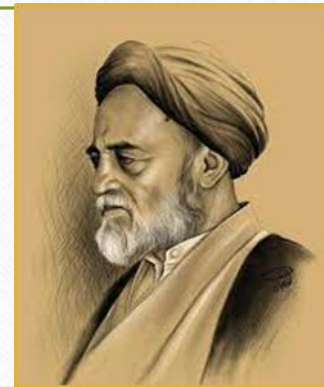
## ولادت



علامه طباطبایی در آخرین روز ماه ذیحجه سال ۱۳۲۱ هـ ق در شاد آباد تبریز متولد شد و ۸۱ سال عمر پربرکت کرد و در صبح یکشنبه ۱۸ محرم الحرام سال ۱۴۰۲ هـ ق سه ساعت به ظهر مانده رحلت کردند.

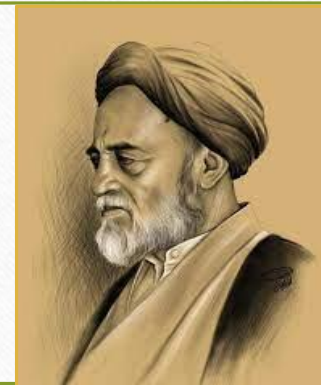
اجداد علامه طباطبایی از طرف پدر از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و از اولاد ابراهیم بن اسماعیل دیباج هستند و از طرف مادر اولاد حضرت امام حسین علیه السلام می باشند. در سن پنج سالگی مادرشان و در سن نه سالگی پدرشان بدرود حیات می گویند و از آنها اولادی جز ایشان و برادر کوچکتر از ایشان بنام سید محمد حسن کسی دیگر باقی نمانده بود.





## تحصیلات و اساتید

سید محمد حسین به مدت شش سال پس از آموزش قرآن که در روش درسی آن روزها قبل از هر چیز تدریس می شد، آثاری چون گلستان، بوستان و ... را فراگرفت. علاوه بر آموختن ادبیات، زیر نظر میرزا علینقی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت. چون تحصیلات ابتدایی نتوانست به ذوق سرشار و علاقه وافر ایشان پاسخ گوید از این جهت به مدرسه طالبیه تبریز وارد شد و به فراگیری ادبیات عرب و علوم نقلی و فقه و اصول پرداخت و از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ هـ ش مشغول فراگیری دانشهای مختلف اسلامی گردید. علامه طباطبایی بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز همراه برادرشان به نجف اشرف مشرف می شوند و ده سال تمام در نجف اشرف به تحصیل علوم دینی و کمالات اخلاقی و معنوی مشغول می شوند. علامه طباطبایی علوم ریاضی را در نجف اشرف نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری که از ریاضی دانان مشهور آن زمان بود فراگرفت



## تحصیلات و اساتید

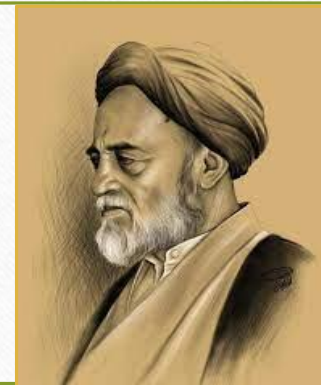
ایشان دروس فقه و اصول را نزد استادان برجسته ای چون مرحوم آیت الله نائینی (ره) و مرحوم آیت الله اصفهانی (ره) خواندند و مدت دروسهای فقه و اصول ایشان مجموعاً ده سال بود. استاد ایشان در فلسفه حکیم متأله، مرحوم آقا سید حسین باد کوبه ای بود که سالیان دراز در نجف اشرف در معیت برادرش مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسن طباطبایی الهی نزد او به درس و بحث مشغول بودند. و اما معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را نزد عارف عالیقدر و کم نظیر مرحوم آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبائی (ره) آموختند و در سیر و سلوک و مجاهدات نفسانیه و ریاضات شرعیه تحت نظر و تعلیم و تربیت آن استاد کامل بودند. استاد امجد نقل می کند که «حال مرحوم علامه، با شنیدن نام آیت الله قاضی دگرگون می شد.» حجت الاسلام سید احمد قاضی از قول علامه نقل می کند که: پس از ورودم به نجف اشرف به بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام رو کرده و از ایشان استمداد کردم. در پی آن آقای قاضی نزد آمد و فرمود: «شما به حضرت علی علیه السلام عرض حال کردید و ایشان مرا فرستاده اند. از این پس، هفته ای دو جلسه با هم خواهیم داشت.» و در همان جلسه فرمود: «اخلاصت را بیشتر کن و برای خدا درس بخوان. زبانت را هم بیشتر مراقبت نما.»





## فعالیت و کسب درآمد

مرحوم علامه در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بودند به علت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعیشان در تبریز بدست می آمد مجبور به مراجعت به ایران می شود و مدت ده سال در قریه شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می شوند. فرزند ایشان مهندس سید عبدالباقی طباطبائی می گوید: «خوب به یاد دارم که، مرحوم پدرم دائماً و در تمام طول سال مشغول فعالیت بود و کار کردن ایشان در فصل سرما در حین ریزش باران و برفهای موسمی در حالی که، چتر به دست گرفته یا پوستین بدوش داشتند امری عادی تلقی می گردید»، در مدت ده سال بعد از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد و بدنبال فعالیتهای مستمر ایشان قناتها لایروبی و باغهای مخروبه تجدید خاک و اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ جدید احداث گردید و یک ساختمان ییلاقی هم در داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته شد و در محل زیرزمین خانه حمامی به سبک امروزی بنا نمود.

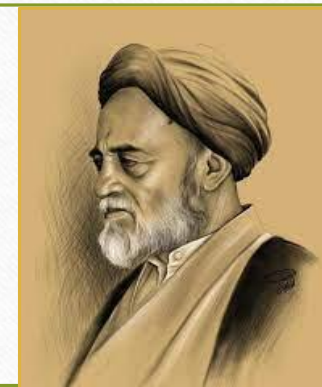


## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبایی

فرزند علامه می افزاید: «پدرم از نظر فردی، هم تیرانداز بسیار ماهری بود و هم اسب سواری تیزتک و به راستی در شهر خودمان، تبریز بی رقیب بود، هم خطاطی برجسته بود، هم نقاش و طراحی ورزیده، هم دستی به قلم داشت و هم طبعی روان در سرایش اشعار ناب عارفانه و.... ، اما از نظر شخصیت علمی و اجتماعی هم استاد صرف و نحو عربی بود هم معانی و بیان هم در اصول و کلام کم نظیر بود و هم در فقه و فلسفه، هم از ریاضی حظی وافر داشت و هم از اخلاق اسلامی، هم در ستاره شناسی تبحر داشت هم در حدیث و روایت و خبر و... شاید باور نکنید که پدر بزرگوار من، حتی در مسائل کشاورزی و معماری هم صاحب نظر و بصیر بود و سالها شخصاً در املاک پدری در تبریز به زراعت اشتغال داشت و در ساختمان مسجد حجت در قم عملاً طراح و معماری اصلی را عهده دار بود و تازه اینها گوشه ای از فضایل آن شادروان بود و گرنه شما می دانید که بی جهت به هر کس لقب علامه نمی دهند و همگان بخصوص بزرگان و افراد خیر و بصیر هیچکس را علامه نمی خوانند مگر به عمق اطلاعات یک شخص در تمام علوم و فنون عصر ایمان آورده باشند



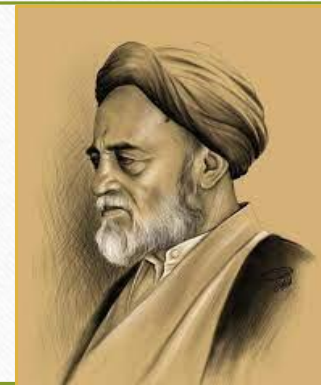
## هجرت



به هر حال علامه طباطبایی بعد از مدتی اقامت در تبریز تصمیم می گیرد تا به قم عزیمت نماید و بالاخره این تصمیم خود را در سال ۱۳۲۵ هـ ش عملی می کند. فرزند علامه طباطبایی در این مورد می گوید: «همزمان با آغاز سال ۱۳۲۵ هـ ش وارد شهر قم شدیم... در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود وارد شدیم ولی به زودی در کوچه یخچال قاضی در منزل یکی از روحانیان که هنوز هم در قید حیات است اتاق دو قسمتی که با نصب پرده قابل تفکیک بود اجاره کردیم، این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود. طبقه زیر این اطاقها انبار آب شرب منزل بود که در صورت لزوم بایستی از درب آن به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر کنیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود پخت و پز هم در داخل اطاق انجام می گرفت در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود که در میهمانیهای بزرگ از آنها به راحتی استفاده می کرد.



## هجرت



پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت شمار داشت که یکی از آنها مرحوم آیت الله حجت بود. اولین رفت و آمد مرحوم علامه به منزل آقای حجت بود و کم کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت و آمد آغاز شد. لازم به ذکر است که علامه طباطبایی در ابتدای ورودشان به قم به قاضی معروف بودند، چون از سلسه سادات طباطبایی هم بودند خود ایشان ترجیح دادند که به طباطبایی معروف شوند. ایشان عمامه ای بسیار کوچک از کرباس آبی رنگ و دگمه های باز قبا و بدون جوراب با لباس کمتر از معمول در کوچه های قم تردد داشت و در ضمن خانه بسیار محقر و ساده ای داشت.

## رحلت

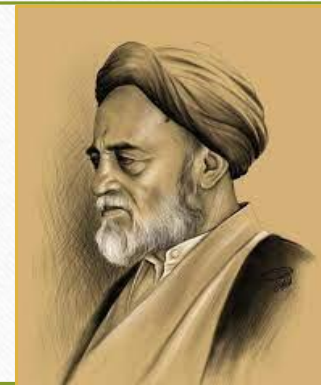


مهندس عبدالباقي، نقل می کند: «هفت، هشت روز مانده به رحلت علامه، ایشان هیچ جوابی به هیچ کس نمی داد و سخن نمی گفت فقط زیر لب زمزمه می کرد «لا اله الا الله» حالات مرحوم علامه در اواخر عمر دگرگون شده و مراقبه ایشان شدید شده بود و کمتر تناول می کردند، و مانند استاد خود، مرحوم آیه الله قاضی این بیت حافظ را می خواندند و یک ساعت می گریستند

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش  
کی روی؟ ره ز که پرسى؟ چه کنی؟ چون باشی؟  
همان روزهای آخر، کسی از ایشان پرسید: در چه مقامی هستید؟ فرموده بودند: مقام تکلم سائل ادامه داد: با چه  
کسی؟ فرموده بودند: با حق



## رحلت



حجت الاسلام ابوالقاسم مرندي می گوید: «یک ماه به رحلتشان مانده بود که برای عیادتشان به بیمارستان رفتم. گویا آن روز کسی به دیدارشان نیامده بود. مدتی در اتاق ایستادم که ناگهان پس از چند روز چشمانشان را گشودند و نظری به من انداختند.» به مزاح عرض کردم: آقا از اشعار حافظ چیزی در نظر دارید؟ فرمودند: «صلاح کار کجا و من خراب کجا؟ بقیه اش را بخوان!» گفتم: «بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا» علامه تکرار کردند: تا به کجا! و باز چشم خود را بستند و دیگر سخنی به میان نیامد. آخرین باری که حالشان بد شد و راهی بیمارستان شده بودند، به همسر خود گفتند: «من دیگر بر نمی گردم» آیت الله کشمیری می فرمودند: «شب وفات علامه طباطبائی در خواب دیدم که حضرت امام رضا علیه السلام در گذشته اند و ایشان را تشییع جنازه می کنند. صبح، خواب خود را چنین تعبیر کردم که یکی از بزرگان [و عالمان] از دنیا خواهد رفت؛ و در پی آن، خبر آوردند که آیت الله طباطبائی درگذشت.

## رحلت



ایشان در روز سوم ماه شعبان ۱۴۰۱ هـ ق به محضر ثامن الحجج علیه السلام مشرف شدند و ۲۲ روز در آنجا اقامت نمودند، و بعد به جهت مناسب نبودن حالشان او را به تهران آورده و بستری کردند، ولی دیگر شدت کسالت طوری بود، که درمان بیمارستانی نیز نتیجه ای نداشت. به شهر مقدس قم که محل سکونت ایشان بود برگشتند و در منزلشان بستری شدند و غیر از خواص، از شاگردان کسی را به ملاقات نپذیرفتند، حال ایشان روز به روز سخت تر می شد، تا اینکه ایشان را در قم، به بیمارستان انتقال دادند. قریب یک هفته در بیمارستان بستری می شوند. سرانجام در صبح یکشنبه ۱۸ ماه محرم الحرام ۱۴۰۲ هـ ق به سرای ابدی انتقال و لباس کهنه تن را خلع و به حیات جاودانی مخلع می گردند و جنازه ایشان را در ۱۹ محرم الحرام از مسجد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام تا صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام تشییع می کنند و در بالا سر قبر حضرت معصومه علیها السلام دفن می کنند.



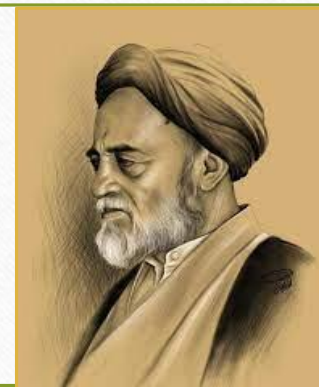


## قدمهای معرفت: مشارطه، مراقبه، محاسبه

هنگامی که از علامه طباطبائی (ره)، در مورد قدمهای معرفت سؤال شد، ایشان سه سفارش اکید داشتند:

مشارطه، مراقبه و محاسبه

ایشان می فرمودند: «انسان باید در اولین ساعات روز، آنچنان به خود آمادگی دهد که بتواند همواره از تهاجم شیطان و اوهام نفسانی خود محفوظ بماند. او باید با خود چنین شرط کند که امروز یکی از روزهای زندگی توست که سپری می شود؛ در این روز باید چنان مراقبت کنی که خلاف رضای خدا از تو سر نزنند و باید تصمیم قاطع بگیری که عمل ناهنجاری انجام ندهی. پس از این تصمیم اوّلی در ابتدای روز، باید در تمام طول روز مراقب شرط خود باشد تا بتواند آن را با موفقیت به انجام برساند». مرحوم علامه می فرمودند: «مراقبه از باب مفاعله است که همیشه بین دو فردی که مقابل هم هستند، صورت می پذیرد؛ یعنی خدا مراقب شماست و شما هم باید مراقب خدا باشید و مطابق رضای او کاری کنید.»



## قدمهای معرفت: مشارطه، مراقبه، محاسبه

پس از طی این دو مرحله، نوبت به حسابرسی می‌رسد که سومین مرحله است؛ بدان معنا که در آخرین ساعات، به فکر بنشیند و تمامی حرکات و فعالیت‌های روزانه خود را مورد دقت و حسابرسی قرار دهد، لحظه لحظه آن را از نظر بگذراند و از خودش بپرسد و ببیند در مقابل سرمایه‌ای که امروز از کف داده است، چه به دست آورده است.

در این مرحله، شخص باید رفتن، آمدن، نشستن، خوردن، گفتن، نوشتن، برخوردها و خلاصه همه حرکات خود را زیر ذره بین قرار دهد و خوب و بد آنها را از هم جدا کند. هر جا خلافتی از او سر زد، استغفار نماید و تصمیم بر جبران بگیرد و هر موفقیتی که شامل حالش شده است، خدا را در مقابل آن نعمت سپاس گوید.

علامه (ره) می‌فرمودند: کسی که زندگی خود را به این حال ادامه دهد، به زودی از کمالات فراوانی برخوردار خواهد شد که موفقیت او را در کمتر کسی می‌توان یافت و برتری روحی او، قابل مقایسه با هیچ یک از سایر مردم عادی که شب و روز خود را بی حساب و کتاب می‌گذرانند نخواهد بود.



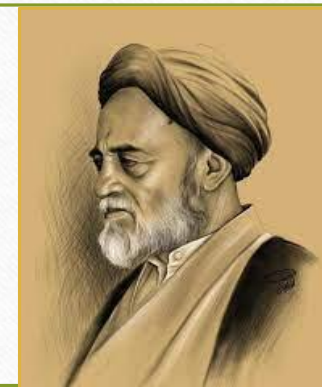


## قدمهای معرفت: مشارطه، مراقبه، محاسبه

مقام معظم رهبری:

علامه طباطبائی مجموعه ای از معارف و فرهنگ اسلام بود،  
چهره معنوی او، سیمای پر صلابت مردی بود که ایمانی استوار و  
عرفانی راستین را با دانشی گسترده و عمیق توأم ساخته است.

## علامه محمد حسین طباطبایی از دیدگاه بزرگان



علامه محمد تقی مصباح یزدی:

باید علامه طباطبایی را از بزرگترین احیا کنندگان کتاب و سنت  
به شمار آورد. آثار عظمت روح و نورانیت دل و ارتباط با ماورای  
طبیعت در سیمای ملکوتی ایشان هویدا بود.

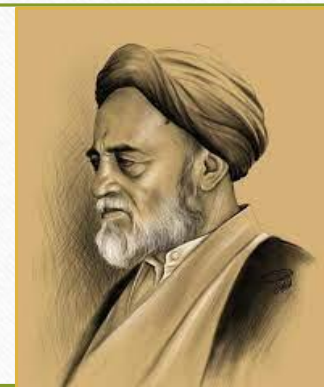




## علامه محمد حسین طباطبایی از دیدگاه بزرگان

علامه حسن زاده آملی:

در محضر ایشان (علامه طباطبایی) کسی جرأت نداشت صحبت دنیا بکند،  
۱۷ سال ما در خدمت ایشان بودیم، یکبار اجازه نداد کسی از دنیا و امور دنیوی  
صحبت کند ... ایشان واقعا در مقام «رضا» بود.



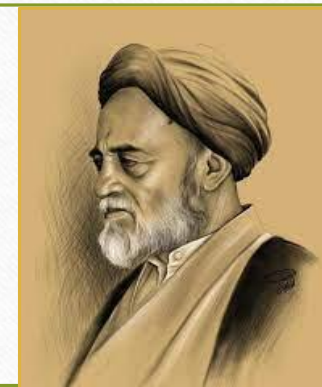
## علامه محمد حسین طباطبایی از دیدگاه بزرگان

آیت الله جوادی آملی:

در بین اساتید ندیدم کسی نهج البلاغه را مثل قرآن بیوسد ولی  
مرحوم علامه طباطبایی نهج البلاغه را همانند قرآن می بوسید.



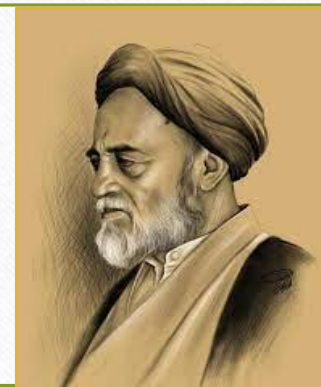
## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبایی



**اگر انسان به عجز خود واقف شود و**

**از صمیم قلب هدایت خود را بخواهد. خداوند متعال هرگز او را**

**رها نخواهد کرد.**



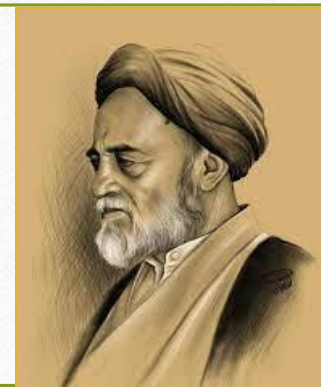
## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبایی

**دستور سلوک دو چیز است: «مراقبه» و «محاسبه»**

**این دو حالت را شخص سالک باید از ابتدای سیر و سلوک**

**تا انتها ملتزم باشد.**





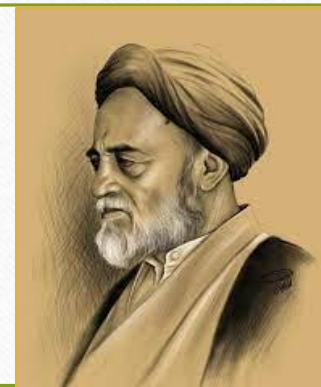
## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبایی

**اگر زن اهمیت نداشت. خدا نسل یازده امام را از طریق**

**حضرت زهرا (سلام الله علیها) قرار نمی داد.**

**واقعاً اگر زن خوب باشد عالم را گلستان می کند و اگر بد باشد عالم را جهنم  
می نماید.**

## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبایی



فرستادن صلوات بر پیغمبر اکرم و آل او برای ترفیع درجهٔ ماست،

همهٔ انبیاء و اولیاء محتاج شفاعت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) هستند.



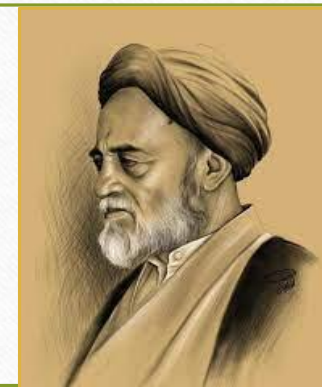
## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبایی



ترک همهٔ مستحبات اختلال هایی در زندگی بشر بوجود می آورد که

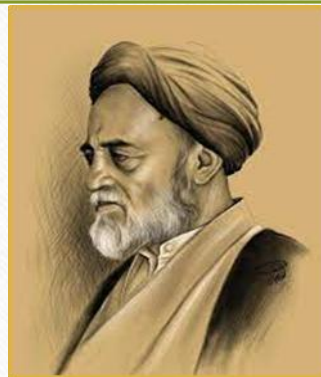
به هیچ قیمتی نمی توان آن را جبران نمود.

## کلمات قصار از علامه محمد حسین طباطبائی



زندگی آزمایشی است که امتحان کننده آن خداست.





از حسن توجه شما سپاسگزاریم.  
«واحد کتابخانه مدرسه علمیه تخصصی زینیه»